

# اسطوره آمریکادرهم شکست

\* از اثرات بارز و گوناگون حرکتی می توان به افسانگرایهای دانشجویان اشاره کرد. هر چند افسانگرایها بنا به تلاقی از یکسایر مستحکم نیروی نمودند ولی در کل باعث افسانهای ماهیت کینتیک امپریالیسم و افسانهای خطوط سازشکاری شدند.

تسلی و معتقد به انقلاب در صحنه حاضر بودند ولی بهر جهت میسران گفت که حضور آنها بنگ حضور پویا و مستمر نبوده و دقیقا به همین دلیل نمی توانستند نقش تعیین کننده ای داشته باشند. گروهی سالها بواسطه حاکمیت امپریالیسم بر جهان امروز، حضور انقلاب که در شکل آن می توانستیم بهر صورت بهر صورت شعله برداریم برای میزبان با مظاهر ظلم و ستم یعنی سرمایه داری و استعمار فئودالیسم، بقایای ستارک و قراردادهای اسارت بار امپریالیستی امپریالیسم آمریکا گامی و قدمی برداشته می شد و حتی ناظر قراقرزانی مجدد سرمایه داران از جانب دولتمردان برای مدیریت کارخانه بوده و

حدود ده ماه از انقلاب اسلامی و جوانان ملت ایران می گذشتند. نه ماهی که به هزاران تشبیهای بسیاری توأم بود. در قبول این به همه علیرغم تمام پیشی و پستیها متأسفانه انقلابی انقلاب بصورتی جزئی و اصولی بین گیری نشد و به امر تشبیه بود راه دراز میزد با امر سنگین نمی استعمار و استعمار سرمایه داری و امپریالیسم خلفهای مستضعف که در روزهای انقلاب اسلامی بود عملا با روی کار آمدن جریانی بعبارت یا جریان افسیل انقلاب شد شده بود. همان انقلاب در امر دانی حاکمیت یافته بودند که ماهیتا با انقلاب همگام بوده و انقلاب را با ارتش شاه تمام شد می انگاشتنند. هر چند تیردهای



دیدیم که ازین فتودلها وزیر کشاورزی انتخاب کردند او نفت را یک کالای تجاری معرفی نمودند و در چنین شرایطی است شهید پرویز و خصوصا نیروی مسلمان و متعهد مکتبی در کساکش عجیبی بسر می بردند. از طرفی امام دائم بر لزوم مبارزات بی امان علیه آمریکا تاکید داشتند و می گفتند تا نبودی این ام الفساد قرن و این مظهر بلیدی و شیطان از پای نشیند و از طرف دیگر دولتمردان سازشکار بنابه ماهیت لیبرالیسم گمش رهنمودهای امام را نداشتند عملا نمی توانستند مجری خواسته های امام و امت بپاخته باشند و نه تنها چنین بود بلکه انقلابی را که میرفت تا امپریالیزم را در ایران به گور سپارد و ایران را مرکز نقل مبارزات جهانی سازد به انحراف کشانده و بتدریج از اصالت آن می کاستند چپ روی های نیروهای غیر معتقد به جمهوری اسلامی شرایطی را ایجاد کرده بود که بعضی کوچکترین انتقادی از طرف نیروهای معتقد به امام سازشکاران آنها را منبهم یا ضدیت با انقلاب کرده و آنان را در ردیف مغرضین و وابستگان به اجانب قرار می دادند که قصد تضعیف حکومت و نظام نوپای جمهوری اسلامی را داشتند شرایط سخت و نوازشیایی بود نه میشد تسلیم خواست مشتی غرب زده که اساس انقلاب را به بازی گرفته بودند شد و نه میشد که سکوت کرده و جریانات را بیست زمان سیرد و یا همصدا با گروهکهای چپ و چپ زده و آمریکایی، شعارهای چپ روانه را کود کانه تکرار کرد. با این تفاسیر و در چنین شرایطی بهر چیزی بود که خواست امت مسلمان و قهرمان ایران در وجود دانشجویان مسلمان مقلد امام شکل گرفت و آنان تبلور دردها و خواسته ها و نیازهای این مردم محروم و ستم کشیده شده و با الهام از رهنمودهای امام که فرموده بودند «در دانشجویان و طلاب علوم دینی واجب است که حملات خودشان را به علیه آمریکا گسترش دهند» سفارتخانه آمریکا را که در اصل جاسوسخانه امپریالیزم و مرکز توطئه علیه خلفهای محروم منطقه بوده تصرف خویش در آوردند. آنها با حرکتی صحیح که مبتنی بر پیش و تحلیل در دشمنان از قضایا بود عملی انجام دادند که اصولی ترین و بهترین شکل تدویم انقلاب بود. و اگر در آن مقطع خاص چنین عملی انجام نمی شد قطعاً انقلاب با انحراف از مسیر اصلی و در نهایت شکست و تسلیم روبرو می شد.

پس از اشغال لانه جاسوسی امام امت با حمایت مکرر از دانشجویان به عمل آنان عمقی دیگر بخشیدند و با این سخن که در ایران «باز انقلاب است، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» اهمیت قضیه را نشان دادند. مردم هم که مقلد امام جهاد



**\* مهمترین نقطه قوت حرکت دانشجویان پیرو خط امام این است که توانست حمایت امام و مردم را بعنوان بزرگترین پشتوانه خود داشته باشد.**

بودند با درک این واقعیت که این عمل همان خواسته آنان و تبلور کینه ضداستکباریشان است با راهپیمایی ها و پاسداری شبانه روزی از سفارت به حمایت از دانشجویان برخاستند میتوان گفت که مهمترین نقطه قوت این حرکت که حکایت از تحلیل درست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از شرایط می کرد همین است که توانست حمایت امام و مردم را بعنوان بزرگترین پشتوانه خود داشته باشد. چرا که اگر چنین حمایتی نمی شد جریان در حد یک جریان کور و یک بازی گودکانه نبود بیشتری نمی توانست داشته باشد.

دانشجویان که یکی از اهداف و انگیزه های حرکتشان محور لیبرالیسم و سازشکاری بود در اولین پیام خود حمله به این جریان را شروع کرده و پرده از خیانت های آشکار و پنهانشان برداشتند. لیبرالها و سایر جریانات که در اثر اشغال سفارت بیشترین خساره را خورده بودند و می رفت تا نام آنان در لیست ورشکستگان سیاسی تاریخ ثبت شود بنای مخالفت با دانشجویان را گذاشتند. «جعلی خواندن سندها» منتسب کردن دانشجویان به گروه های وازده موجود در جامعه - منتهم کردن دانشجویان به سوطه برای نشیبت خاکسبت یک جناح از جناح های حاکم ... از جمله دسایس بود که لیبرالها برای لوذ کردن و از اعتبار انداختن این عمل در نزد مردم داشتند. خوشبختانه در اثر هشاری مردم و برخورد های اصولی دانشجویان هیچک از توطئه های آنان جنبه عینی بخود نگرفت و این حرکت توانست در

جهد

کشور شکستن افسانه شکست ناپذیری آمریکا بود که مدتها بر ذهنیت ملل مستضعف جهان تحمل کرده بودند که با ایف کردن آنها نمیتوان مبارزه کرد و با امریکای مقتدر نمیتوان پنجه در پنجه انداخت. پس از اشغال سفارت و گرفتن ۵۲ جاسوس امریکایی این افسانه درهم ریخت و این ذهنیت درهم شکست و مردم دریافتند که امریکا واقعاً طبل تو خالی است و هیچ غلطی نمیتواند بکند. علاوه بر این اشغال سفارت نه تنها مانع از رشد جریان انحرافی لیبرالیسم در داخل شده و همانطور که اشاره شد جریان سازشکاری را در داخل به گور سپرد بلکه باعث وحدت و انسجام مردم گردید و مردم را حول شعار محوری استرداد شاه خائن بسیج نمود. تحریم کالاهای امریکایی، قطع رابطه با شیطان بزرگ، معساده اموال شرکتهای امریکایی - مقابله با تحریم اقتصادی آمریکا ... از جمله برکاتی بود که در سایه این بسیج تفسیر انقلاب اسلامی شد و در سایه وحدت و انسجام مردم حول یک شعار واحد بود که تضادهای درونی و فرعی جامعه کاهش پیدا کرده و همه آذهنان بار دیگر متوجه دشمن اصلی شد و انقلاب را که میرفت در اثر تضادهای داخلی و استهلاک درونی به شکست بینجامد. به مسیر اصلی خویش هدایت نمود.

بجه در صفحه ۴۸  
صفحه ۷

روند خویش خط بطلانی بر تفکر سازشکاری در جامعه کشیده و سازشکاران را از صحنه ایران اسلامی بیرون براند. حتی سایر گروهها طبق سنت دیرینه شان با تحلیلهای روشنفکرانه و با تحلیلهای خشک و بدون از واقعیت خویش قصد داشتند که این حرکت را جریانی منطقی و اشغال کنندگان لانه جاسوسی را نیروهایی که توان کنش مبارزه تا به انتها را ندارند معرفی نمایند. تا شاید از این طریق بتوانند هواداران از دست رفته و از چنگ گریخته خویش را که به سبب چنین حرکتی از جانب نیروهای خط امام مسئله دار شده بودند به دامان خویش باز گردانند ولی اشغال لانه جاسوسی اصیلتر و عمیق تر از این بود که با اینگونه جوسازیها، مارک زدنها و توطئه چینیها از اصالت افتاده و یا رنگ آفت پذیرد. بدلیل حقانیت حرکت دانشجویان این حرکت تاثیر بسیار زیادی در تعمیق مبارزات ملت مسلمان ایران داشت، و چه در بعد داخلی و چه در بعد گسترده خارجی اثرات بسیار مهسی برجای نهاد.

یکی از اثرات مهم این حرکت در داخل

## فلسطین سازش نمیکند

\*\*\*\*\*

مغضوب همه سعیدین و مستضعفین جهان قرار گرفت.

آری در روند خونین مبارزات و هتیمین این زهران نیستند که مسیر مبارزه را تعیین می کنند بلکه مسیر مبارزه را تعیین می کنند. استراتژی یک اراده یولادین و فلسطین انقلابی مردمی تعیین می کند که این مبارزه را در منطقه جهان محرومین بننگ آمیزد.

و اینکه سرنویس انقلاب فلسطین را هر نه فعالیت های دیپلماتیک و راست راندهای سیاسی رهبران که گلوله های آتشین سرنگون و فریادهای دلخراش ز سائیران که آتش تعیین میکند که به عشق آزادی فلسطین و شهادت کامل دشمن صهیونیستی سینه ها را در مقابل شمشیر محرم می کنند.

آری فلسطین سازش نمیکند که فرزندانش

هند و تل زعفر و کفر قاسم را از یاد نبرده اند. فلسطین سازش نمیکند چرا که مادرانش جنایات صهیونیستها در تیر باسین را از یاد نبرداند. فلسطین سازش نمی کند چرا که داغ زخم گلوله های هتیمین قامتش را نشانه می روند.

فلسطین سازش نمی کند چرا که هنوز قریب اله ها و شمشیر های فرزندان خویش را در عمق سیاهچاله های جلاخان صهیونیست به گوش جان می شنود.

فلسطین سازش نمیکند و نه تنها سازش نمی کند بلکه مادر فلسطین شیر خود را به فرزندی که در مبارزه قهرامی علیه دشمن جنایتکار تربید روا دارد چراغ می کند.

وزیر فلسطینی همسری را که بدو افتد سازش کند بر خود حرام می داند.

و کودکی فلسطینی بر سرش را که به آرزو پشت

کرده باشد بوسه میدهد و بر دوشش اشکها نمی ریزد.

چرا که فلسطینی می داند دشمن صهیونیست «از فرات تا نیل» را میخواهد و از اینجا تسلط بر جهان اسلام را و از این رو سازش نمی کند.

بر دیوار یکی از زندانهای اسرائیل توسط یکی از چوبکهای فلسطینی نوشتند شده بود: «... آنام خمینی ادیب مرا تاصح کتک زدند، شکنجه کردند، بیکرم را سوختند... از حال رفته ام، خسته ام... بدرا بدرا پس کی میانی کی ما را نجات می دهی؟»

و ناچار یک فلسطین به این آسند در زندانها شکنجه می شود فلسطین سازش نمی کند و اگر هم خدای ناکرده فلسطین سازش کند مسلمانان جهان سازش نخواهند کرد چرا که مسئله قدس تنها مسئله فلسطین نیست. هر بی ربط به جهان اسلام است.

## استیلورد آمریکا

\*\*\*\*\*

گفته بود ای پادشاهان آمریکا یک تبار غنی در قالب یک گروهی که در فلسطین هر شخص و یا هر پلی خود را برای خود بخورد و بیرون رانند اما معرفی می کنند که در آن زمین حرکت و حرکتها را بدون مشورت با خود و بیگانه های این خط بهر و مشفقان و تریبونو شهر نشانی از

چهره مدعیان در زمین خود امان برداشته شد از اثرات و تا ویرانگیهای دیگر این حرکت میتوان به انکارهای دانشجویان اشاره کرد که چند افشاگرها با سلاحهای گوناگون فلسطین پیروی نمودند و در فلسطین با سلاحهای گوناگون کتیبه امیرالیم و کتیبه سعیدین در راهی غارتگرانه آن از یکطرف و نیز افشای خطوط سازشکاری و ضد انقلاب اسلامی شد.

خبر بعد خارجی که در فلسطین اثرات مهمی در سطح جهانی برجای گذاشت. در درجه اول بارگترین شهر را به امیرالیم امریکا در سطح جهانی وارد آورد بنور یک تار و زما بعد از این جریان امریکا و کاخ سفید بشناسان و انگشتی و شمه قدرتها و قدرتها در تحریر و سرگردانی نیز میراند. به سیم اقتصادی امریکا. حمله نظامی جهت آزادی گروگانها و رسوایی که در این مسیر نصیب امریکا شد. ماهیت امریکا این امریکا در جهان را پیش از پیش از این امریکا و در این سعه های قدرتها و ماهیت آنها را که هم از حقوق بشر و صلح جهانی و میزند بر ملا ساخت از دیگر پیامدهای گروگانگیری، آمدن نهضت های آزادیبخش جهان

به ایران بود. این عمل حرکتی در جهت تقویت نهضت های آزادیبخش، هماهنگ کردن آنان و مهمتر از همه دستور انقلاب اسلامی با تکیه بر توده های مستضعف بود.

بهر حال گروگانگیری نقطه ای عطف و تاریخی در مبارزات ملت ایران بود و پرداختن امرات مشیت آن و تحولاتی که در سطح منطقه و جهان بوجود آورد در خود وقت و بررسی فراوان است که در این مختصر نمی گنجد. دانشجویان مسلمان بیرو خط امام با این کار نظم ره شکست ناپذیری ایفادتها و خصوصاً امپریالیزم امریکا را در شکستند و این بزرگترین دستاوردی است که جهان محرومین به آن نیاز دارد.

## سخنان امام

\*\*\*\*\*

متوجه باشید از آنجا که شما بیشتر رحمت میکشید، فلسطین از همه بیشتر متوجه نماشد تا شما را از بین ببرد.

مسئله دیگر صدور انقلاب است که بارها گفته ام ما با کسی جنگی نداریم. امروز انقلاب ما صادر شده است. در همه جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته اند. باید با تبلیغات صحیح اسلام را آنگونه که هست به دنیا معرفی نمائید. و اسم اسلام را شناختند، قهر

به آن روی می آورند و ما چیزی جز بهاده شده احکام اسلام در جهان نمی خواهیم. من به شما نصیحت میکنم که حیثیت و حماقت خود را در میان مردم حفظ کنید البته در بین شما جوانهای تندی هم هستند که باید آنها را تعدیل کنید تا کارهایی را که برخلاف مشی کلی سیاه هست انجام ندهند. برای نزدیکی سیاه با روحانیت از آقای منتظری که در قم هستند کمک بگیرید.

برای خدا تبلیغات کنید که تبلیغات امر مهمی است. به همان اندازه و با بیشتر برای مستضعفین مفید است. مراعات حال مردم را رعایت کنید. انصافاً مردم ایران حق بزرگی بر انقلاب دارند بخدا بیشتر اعتناء کنید. خداوند همه شما را محترم و معزز نگاهدارد و دست دشمنان اسلام را قطع کند.